از: مصطفی طباطبائی

اسلام تروریسم را محکوم می‌کند!

بمب‌گذاریهای اخیر در لندن، جان عدّه‌ای را به کام مرگ افکند و عدّه‌ای دیگر را به شدّت مجروح کرد و متأسفانه شایع شد که این عملِ ظالمانه، کار چند تن از مسلمانان تندرو بوده‌است! در پی این شایعه، چند مسجد در انگلیس به آتش کشیده‌شد و برخی از مسلمانان در خیابانهای لندن مورد تعرّض قرار گرفتند و گفته می‌شود که یک مسلمان نیز به قتل رسید!

بمب‌گذاریهای مزبور نوعی "ترور کور" به شمار می‌آید که در ضمن آن، افراد بی‌گناهی آسیب دیدند و خانواده‌هایشان دچار مصیبت و اندوه شدند همانطور که در تعرّض به مسلمانان، عدّه‌ای بی‌گناه دچار خسارت شدند که در بمب‌گذاری نقشی نداشتند و اماکن مقدّس مسلمانان که محل نیایش و آرامش بود، طعمه آتش گشت و در حقیقت هر دو عمل به یکدیگر شباهت داشت زیرا در هر دو، مردم بی‌گناه زیان دیدند و مجرمان اصلی از آسیب مصون ماندند! آیا چنین کارهایی عاقلانه است؟!

در این مقاله من درصدد نیستم تا بیان کنم که جنایت مزبور از سوی چه کسانی طرح‌ریزی شده‌است بلکه می‌خواهم تحقیق نمایم که آیا اسلام با اینگونه اعمال موافقت دارد یا آنها را محکوم می‌کند؟ و آیا اساساً اسلام ترور و غافل‌کشی را منع می‌نماید و آنرا کاری ناجوانمردانه می‌شمارد یا آنرا تصویب و تأیید می‌کند؟

فایده این تحقیق آنست که چون به اثبات رسد تروریسم از دیدگاه اسلام محکوم است، شاید مسلمانانِ بی‌خبر یا تندرو بیدار شوند و کسانی که از این حیث به آئین اسلام بدبین شده‌اند، تغییر عقیده دهند و اگر این توفیق برای مقاله حاضر فراهم آید، به هدف اصلی خود دست یافته‌است.

در قرآن که کتاب مقدّس مسلمانان و موثّق‌ترین مدرک اسلام شمرده می‌شود به صراحت آمده‌است که تصمیم به پنهان‌کُشی و ترور، روش گروه‌های مفسد بوده که بنام خدا و دین، با یکدیگر هم‌پیمان می‌شدند تا مخالفان خود را از پای در آورند و سپس آنرا انکار و حاشا نمایند! قرآن می‌گوید: «در آن شهر نُه گروه بودند که در زمین به تباهکاری می‌پرداختند و به راهِ درست نمی‌رفتند. آنها به یکدیگر گفتند که به خدا سوگند خورده هم‌قسم شوید که صالحِ پیامبر و کسانش را شبانه به قتل رسانیم سپس به خونخواه وی بگوییم که ما در قتل او شاهد نبودیم (و از آن بی‌خبریم)» (سوره نمل: ٤٨ و ٤٩).

قرآن در این سخن نشان می‌دهد که چنین کاری نوعی تباهکاری است که با فکر و حیله صورت می‌گیرد چنانکه بلافاصله از عمل ایشان به "مکر" تعبیر می‌نماید و می‌گوید که خدا نقشه مکرآمیز آنانرا بر هم زد و آنها را به کیفر رساند (نمل: ٥٠ و ٥١).

شبیه این توطئه را در ١٤ قرن پیش برای پیامبر اسلام فراهم آوردند و در یکی از شبها به خانه وی ریختند تا او را ترور کنند ولی به مقصود خود دست نیافتند و پیامبر شبانه از مکّه به سوی مدینه هجرت کرد و این هجرت، مبدأ تاریخ برای مسلمانان شد.

باز در قرآن به صراحت آمده‌است که: «اگر (مخالفان شما) از جنگ با شما کناره‌گیری کردند و طرح صلح به سویتان افکندند در آنصورت خدا هیچ راهی را بر ضدّ آنان برای شما قرار نداده‌است» (نساء:٩٠) با وجود این دستور صریح، هیچ مسلمانی حق ندارد در حال صلح، اقدامی خشونت‌آمیز بر خلاف مخالفان کند تا چه رسد به آنکه بخواهد درباره آنها به ترور و غافل‌کُشی دست زند! در ترورهای کور و بمب‌گذاریها معمولاً مردم بی‌گناه و بی‌خبر کشته می‌شوند و یا مجروح می‌گردند و این کار، بر خلاف عدالت شمرده می‌شود و قرآن به مسلمانان هشدار می‌دهد که: «(حتی) دشمنی با گروهی شما را به بی‌عدالتی درباره آنان وادار نکند، به عدالت رفتار کنید» (مائده:٨). علاوه بر قرآن در آموزشهای پیامبر اسلام، صریحاً از ترور نهی شده‌است. مورّخان و محدّثان مشهور مسلمان مانند طبری و ابن حنبل و حاکم نیشابوری از پیامبر آورده‌اند که گفت: «ایمان، از غافل‌کشی جلوگیری می‌کند و هیچ شخص مؤمنی به ترور دست نمی‌زند» (تاریخ طبری، ج ٥، ص ٣٦٣) و این سخن پیامبر اسلام بارها در تاریخ اسلامی به گواهی آورده شده و معتبر و معروف بوده‌است. محدّث مشهورِ مسلمان ابو داود در کتاب سنن خود نوشته‌است: «روزی معاویه در دوران حکومتش، از شام به مدینه سفر کرد و به منزل عائشه – همسر پیامبر – برای دیدار او رفت. عائشه (به شوخی) بدو گفت: آیا نمی‌ترسی که من مردی را در پس پرده نشانده باشم تا تو را ترور کند؟ معاویه پاسخ داد: تو چنین کاری را نمی‌کنی زیرا که من در خانه امن وارد شده‌ام و از پیامبر خدا شنیدم که می‌گفت: ایمان از ترور اشخاص جلوگیری می‌کند و هیچ فرد با ایمانی دست به ترور نمی‌زند» (سنن ابوداود، ج٢، ص ٧٩). پیامبر اسلام حتی هنگامی که ضرورت جنگ پیش می‌آمد بنابر آنچه مورّخان معتبر اسلامی آورده‌اند، به سپاه خود می‌فرمود: «بنام خدا و در راه خدا و بر آئین پیامبر خدا حرکت کنید. پیر و کودک و زن را نکشید. زیاده‌روی نکنید. صلح کنید و نیکوکاری نمایید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد». چنین پیامبری هرگز به پیروان خود دستور نمی‌دهد که به ترورهای کور بپردازند و جان عدّه‌ای بی‌گناه را به خطر اندازند و اگر دستور کشتن کسی را احیاناً صادر نموده، به عنوان کیفر جنگ‌افروزی و بزهکاری او و در مقام یک مرجع بزرگ قضائی و رئیس حکومت بوده‌است و این امر با ترورهای کور و بمب‌گذاریهای ناجوانمردانه بکلّی تفاوت دارد. در قرآن تصریح شده که اگر مردم مؤمن و بی‌گناه از کافران جنگجوی مکّه جدا شده‌بودند، پیامبر

اسلام به دلیل یورشهای کافران، به شهر پیامبر (مدینه) مکّه را با حمله نظامی تصرّف می‌کرد ولی برای آنکه خون بی‌گناهان ریخته نشود، دستور چنین حمله‌ای به پیامبر داده‌نشد چنانکه می‌خوانیم: «اگر (در مکّه) مردان و زنان با ایمانی نبودند که بدون شناسایی پایمالشان می‌کردید و زیانشان بر عهده شما می‌ماند (دستور حمله به مکّه را می‌دادیم)» (فتح:۲۵) ولی پیامبر بدون جنگ و خونریزی، فاتحانه به مکّه وارد شد و چنانکه عموم مورّخان آورده‌اند مراسم عبادت خدای یکتا را در کعبه بجای آورد و سپس طی سخنرانی مهمّی، مردم مکّه را بخشید و فرمود که رفتار من با شما مانند یوسفِ پیامبر با برادرانش خواهد بود که به آنها گفت: «امروز سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می‌آمرزد و او از همه مهربانان، مهربانتر است» (یوسف:۹۲). آیا چنین پیامبری اجازه می‌دهد که پیروانش به ترورهای کور دست بزنند؟! هرگز.